

نقش آنومی اجتماعی بر افزایش جرایم خشونت آمیز

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۵،
صفحات ۱۹-۱

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
فرناز فرجی پور آذرفام

دکتر علی آقاپور
گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

آنومی اجتماعی به‌عنوان وضعیتی از بی‌هنجاری و فروپاشی نظام ارزشی، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بروز و گسترش جرایم خشونت‌آمیز در جوامع معاصر محسوب می‌شود. در شرایطی که انسجام اجتماعی کاهش یافته و هنجارهای مشترک کارکرد خود را از دست می‌دهند، افراد بیشتر مستعد رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز می‌شوند. این مقاله با رویکردی جامعه‌شناختی و حقوقی به بررسی رابطه میان آنومی اجتماعی و افزایش جرایم خشونت‌آمیز پرداخته و نشان می‌دهد که فقدان نظم ارزشی می‌تواند به‌طور مستقیم بر افزایش آمار جرم و شدت خشونت در جامعه تأثیرگذار باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عواملی همچون ضعف نهادهای نظارتی، کاهش سرمایه اجتماعی، احساس بی‌عدالتی و ناکارآمدی سازوکارهای حقوقی و اداری از مهم‌ترین بسترهای گسترش آنومی اجتماعی هستند که در نهایت بروز جرایم خشونت‌آمیز را تشدید می‌کنند. در پایان مقاله ضمن تحلیل این عوامل، راهکارهایی برای تقویت انسجام اجتماعی و بازتعریف کارکردهای نظام حقوقی در جهت کاهش آثار آنومی و مهار خشونت ارائه شده است.

واژگان کلیدی: آنومی اجتماعی، جرایم خشونت‌آمیز، انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، بی‌عدالتی

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

The role of social anomie in the increase in violent crime

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year, Issue 25

Pages 1-19

Farnaz Farajipour
Azarfam

Master of Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Dr. Ali Aghapour

Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Abstract

Social anomie, as a state of abnormality and collapse of the value system, is considered one of the most important factors affecting the emergence and spread of violent crimes in contemporary societies. In conditions where social cohesion decreases and common norms lose their function, people become more prone to aggressive and violent behaviors. This article examines the relationship between social anomie and the increase in violent crimes with a sociological and legal approach and shows that the lack of value order can directly affect the increase in crime rates and the severity of violence in society. The research findings indicate that factors such as the weakness of supervisory institutions, the decline in social capital, the feeling of injustice, and the inefficiency of legal and administrative mechanisms are among the most important contexts for the spread of social anomie, which ultimately exacerbate the occurrence of violent crimes. At the end of the article, while analyzing these factors, solutions are presented to strengthen social cohesion and redefine the functions of the legal system in order to reduce the effects of anomie and curb violence.

Keywords: Social anomie, violent crime, social cohesion, social capital, injustice

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

جامعه ایران در دهه‌های اخیر با چالش‌های متعددی نظیر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، ضعف کارآمدی برخی نهادهای اداری و قضایی، و کاهش اعتماد عمومی مواجه بوده است. این شرایط، به‌ویژه زمانی که با ناکارآمدی سیاست‌های کیفری صرف همراه شود، زمینه‌ساز گسترش آنومی اجتماعی و در نتیجه افزایش رفتارهای خشونت‌آمیز می‌گردد. بر همین اساس، بررسی نقش آنومی اجتماعی در افزایش جرایم خشونت‌آمیز، نه تنها برای تکمیل مباحث جرم‌شناختی ضروری است، بلکه می‌تواند مبنایی برای بازنگری در سیاست جنایی و حقوق اداری ایران جهت تقویت انسجام اجتماعی و پیشگیری مؤثر از خشونت فراهم کند.

۱-۱- تعریف آنومی اجتماعی

آنومی اجتماعی مفهومی است که توسط امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، معرفی شده و به شرایطی اشاره دارد که در آن نظم اجتماعی و هنجارهای مشترک جامعه تضعیف یا بی‌ثبات می‌شود. در این وضعیت، افراد جامعه دچار نوعی سردرگمی و بی‌هنجاری می‌شوند و نمی‌توانند میان رفتارهای صحیح و ناصحیح تمایز قائل شوند. آنومی معمولاً در دوره‌های تغییرات اجتماعی یا بحران‌های بزرگ اقتصادی و فرهنگی رخ می‌دهد، جایی که ساختارهای سنتی از بین می‌روند و هنجارهای جدید جایگزین آنها نمی‌شود. این وضعیت منجر به افزایش تنش‌ها، تضادها و رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی در جامعه می‌شود.^۱

جرایم خشونت‌آمیز به دلیل آثار گسترده‌ای که بر امنیت عمومی، آسایش اجتماعی و حقوق اساسی شهروندان می‌گذارند، همواره از دغدغه‌های جدی نظام‌های حقوقی و کیفری محسوب می‌شوند. در حقوق کیفری ایران نیز مقابله با این دسته از جرایم جایگاهی ویژه یافته و قانون‌گذار در قالب مقررات متعدد، از جمله قانون مجازات اسلامی، تلاش کرده است تا با جرم‌انگاری و پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کیفری، از گسترش خشونت جلوگیری نماید. با این حال، تجربه‌های عملی نشان می‌دهد که عوامل صرفاً حقوقی و کیفری برای پیشگیری از خشونت کافی نبوده و باید ریشه‌های اجتماعی و ساختاری آن به‌طور جدی مورد بررسی قرار گیرد.

یکی از مفاهیم کلیدی در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی حقوق که می‌تواند در تحلیل چرایی افزایش جرایم خشونت‌آمیز راهگشا باشد، مفهوم «آنومی اجتماعی» است. آنومی به معنای بی‌هنجاری و تضعیف نظام ارزشی و هنجاری جامعه است که نخستین بار توسط دورکیم مطرح و سپس توسط مرتون توسعه یافته است. در شرایط آنومیک، انسجام اجتماعی و کارکرد نهادهای رسمی و غیررسمی تضعیف شده و در نتیجه افراد نسبت به قواعد الزام‌آور بی‌اعتنا می‌شوند. این وضعیت می‌تواند بستر بروز انواع جرایم، به‌ویژه جرایم خشونت‌آمیز، را فراهم سازد.

۱- دورکیم، امیل (۱۳۹۲)، درباره تقسیم‌کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز، ص ۶۲

تحولات فرهنگی رخ می‌دهد، زمانی که ساختارهای سنتی فرو می‌پاشند و قواعد جدید هنوز به درستی شکل نگرفته‌اند.^۲

پس از دورکیم، مفهوم آنومی توسط نظریه‌پردازان مختلف تکامل یافت. رابرت کی. مرتن در دهه ۱۹۳۰ نظریه آنومی را بازتعریف کرد و آن را در قالب نظریه فشار مطرح نمود. مرتن استدلال کرد که آنومی زمانی رخ می‌دهد که شکافی میان اهداف فرهنگی جامعه (مانند موفقیت مادی) و ابزار مشروع برای دستیابی به این اهداف به وجود بیاید. او پنج نوع واکنش به آنومی را شناسایی کرد: هم‌رنگی، نوآوری، کناره‌گیری، طغیان و آیین‌گرایی. بعدها، نظریه‌پردازان دیگری مانند آلبرت کوهن، ریچارد کلارود و لوید اوهلین این مفهوم را گسترش دادند و به ارتباط آن با خرده‌فرهنگ‌های انحرافی و رفتارهای بزهکارانه پرداختند. در دهه‌های اخیر، نظریه‌پردازانی همچون رابرت آگنیو با معرفی نسخه اصلاح‌شده نظریه فشار، ابعاد روان‌شناختی و فردی را نیز به مفهوم آنومی اضافه کردند. این تکامل نشان می‌دهد که نظریه آنومی اجتماعی همچنان به‌عنوان یک چارچوب تحلیلی مهم در تبیین رفتارهای انحرافی و جرایم خشونت‌آمیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۳

۱-۳- ویژگی‌ها و علل پیدایش آنومی

در واقع، آنومی اجتماعی حالتی از بی‌نظمی یا کمبود قواعد است که موجب می‌شود افراد احساس بی‌هدفی، ناامیدی یا جدایی از جامعه کنند. دورکیم معتقد است که در شرایط آنومیک، همبستگی اجتماعی کاهش می‌یابد و افراد بیشتر به دنبال منافع شخصی خود هستند تا منافع جمعی، که این امر می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای انحرافی و جرایم خشونت‌آمیز شود. بنابراین، آنومی اجتماعی به نوعی خلأ در سیستم ارزشی و هنجاری جامعه اشاره دارد که می‌تواند پیامدهای منفی عمیقی بر رفتار اجتماعی داشته باشد.^۱

۱-۲- تاریخچه و تکامل نظریه‌های آنومی اجتماعی

مفهوم آنومی اجتماعی نخستین بار توسط امیل دورکیم در اواخر قرن ۱۹ مطرح شد. دورکیم این مفهوم را در آثار برجسته خود، از جمله تقسیم کار اجتماعی (۱۸۹۳) و خودکشی (۱۸۹۷)، بررسی کرد. او آنومی را وضعیتی از بی‌هنجاری در جامعه تعریف کرد که در آن قواعد و هنجارهای اجتماعی تضعیف یا از بین می‌روند و افراد به دلیل عدم وجود نظم و ثبات اجتماعی دچار سردرگمی می‌شوند. دورکیم به‌ویژه در مطالعه خودکشی به این موضوع پرداخت و نشان داد که آنومی می‌تواند یکی از عوامل کلیدی در افزایش میزان خودکشی باشد. از دیدگاه دورکیم، این پدیده معمولاً در دوره‌های تغییرات سریع اجتماعی، بحران‌های اقتصادی یا

۲ - کوثری، مسعود (۱۳۸۶)، نظریه‌های آنومی اجتماعی، تهران: نشر سلمان، ص ۹۱

۱ - رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، چاپ اول، تهران: نشر سروش، ص ۵۵

۲ - سیموس، بریث ناچ (۱۳۹۰)، جرم و مجازات از نگاه دورکیم، ترجمه محمدجعفر ساعد، تهران: انتشارات خرسندی، ص ۷۸

۱. تغییرات سریع اجتماعی: صنعتی شدن، مدرنیزاسیون، مهاجرت و تحولات فرهنگی یا فناوری می توانند نظم سنتی را مختل کرده و باعث ایجاد خلأ هنجاری شوند.

۲. تضاد میان اهداف و ابزارها: نظریه رابرت مرتن نشان می دهد که شکاف میان اهداف فرهنگی (مانند موفقیت مادی) و عدم دسترسی افراد به ابزارهای مشروع برای دستیابی به این اهداف، از دلایل اصلی آنومی است.

۳. بحران های اقتصادی و سیاسی: رکود اقتصادی، بیکاری گسترده، یا بی ثباتی سیاسی می توانند نظم اجتماعی را تضعیف کرده و احساس بی قدرتی و سردرگمی را در افراد تقویت کنند.

۴. افول ارزش ها و هنجارهای سنتی: در جوامعی که ارزش های سنتی و دینی جای خود را به ارزش های جدید یا فردگرایی افراطی می دهند، احتمال پیدایش آنومی افزایش می یابد.

۵. نابرابری اجتماعی: وجود شکاف عمیق طبقاتی و احساس بی عدالتی در جامعه می تواند افراد را به سمت رفتارهای انحرافی سوق دهد.

۶. ضعف نهادهای اجتماعی: نهادهایی مانند خانواده، آموزش و دین که وظیفه انتقال هنجارها را دارند، اگر کارکرد خود را از دست بدهند، زمینه آنومی را فراهم می کنند.^۲

آنومی اجتماعی حالتی از بی هنجاری و بی ثباتی در جامعه است که با ویژگی های زیر شناخته می شود:

۱. فقدان هنجارهای مشخص: در شرایط آنومی، قواعد و ارزش های اجتماعی ضعیف، ناکارآمد یا نامشخص می شوند و افراد نمی دانند چه رفتاری صحیح یا ناصحیح است.

۲. احساس سردرگمی و ناامیدی: افراد در مواجهه با بی هنجاری، احساس انزوا، بی هدفی و ناامنی می کنند و گاه به رفتارهای انحرافی روی می آورند.

۳. گسست اجتماعی: انسجام اجتماعی کاهش می یابد و روابط میان افراد بیشتر بر اساس منافع شخصی است تا ارزش های جمعی.

۴. افزایش رفتارهای انحرافی و جرم: در شرایط آنومی، افراد بیشتر به رفتارهای غیرقانونی یا غیراخلاقی گرایش پیدا می کنند، زیرا هنجارهای مشترک برای کنترل رفتار آنها وجود ندارد.

۵. تغییرات سریع اجتماعی: آنومی معمولاً در جوامعی رخ می دهد که در حال تجربه تغییرات ناگهانی، مانند صنعتی شدن یا بحران های اقتصادی، هستند.^۱

علل پیدایش آنومی اجتماعی بدین شرح است:

^۲ - پوریافر، محمدرضا (۱۳۹۰)، آنومی و کجروی در جامعه در حال گذار: مطالعه یک مسئله در شهر سمنان، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره دوم، سال چهارم، ص ۶۱

^۱ - اف. مسنر، استیون؛ روزنفلد، ریچارد (۱۳۹۲)، نظریه آنومی نهادی تبیین جامعه شناسی کلان جرم، ترجمه علی موسی نژاد، فصلنامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر، سال دوم، شماره ۳، ص ۱۶۸

در مجموع، آنومی نتیجه تعامل عوامل ساختاری و فرهنگی در جامعه است و معمولاً در شرایطی که نظم اجتماعی تضعیف شده یا تغییرات گسترده رخ داده باشد، بروز می‌کند.

۲- آسیب‌شناسی جرم‌زایی در جوامع با آنومی بالا

تحلیل آسیب‌شناسی جرم‌زایی در جوامع با سطح بالای آنومی به بررسی و شناسایی عواملی می‌پردازد که موجب افزایش وقوع جرم در این نوع جوامع می‌شود. آنومی به وضعیتی اشاره دارد که در آن هنجارها و قوانین اجتماعی به ضعف گراییده یا به طور کلی ناپدید شده‌اند، که این امر منجر به سردرگمی اجتماعی، احساس عدم اعتماد و انحراف از مسیرهای اجتماعی مناسب می‌گردد. در جوامع با آنومی بالا، کمبود یا عدم ثبات در هنجارهای اجتماعی مانع از آن می‌شود که افراد بتوانند خود را با معیارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه سازگار کنند و این وضعیت بستر مناسبی برای بروز رفتارهای انحرافی و جرایم ایجاد می‌کند. یکی از اصلی‌ترین علل افزایش وقوع جرم در این جوامع، افزایش حس بی‌عدالتی و عدم اعتماد به نهادهای اجتماعی می‌باشد. هنگامی که افراد احساس کنند که فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی برایشان محدود است یا در دسترس نیست، و همچنین اگر قوانین و نهادهای قضایی نتوانند عدالت را برقرار کنند، ممکن است به شیوه‌های غیرقانونی و خشن برای دستیابی به اهداف خود روی آورند.^۱

در جامعه با آنومی بالا، نهاد‌های اجتماعی مانند خانواده، مدارس و دولت قادر به ایجاد انسجام اجتماعی و هویت جمعی نیستند. در این جوامع، افراد به‌ویژه در طبقات اجتماعی پایین‌تر، معمولاً احساس می‌کنند که از جامعه طرد شده‌اند یا جایی برای پیشرفت و مشارکت ندارند. این امر منجر به احساس بیگانگی و انزوا در فرد می‌شود و او را به سمت رفتارهای مجرمانه سوق می‌دهد. همچنین، در جوامعی با آنومی بالا، خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های ضد اجتماعی ممکن است تقویت شوند، که خود عاملی برای ترویج جرم‌زایی است. این گروه‌ها اغلب هنجارهای خاص خود را ایجاد می‌کنند که با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جامعه اصلی تضاد دارند و این تضاد می‌تواند به افزایش جرایم منجر شود.^۲

نقص در نظام قضایی و فقدان نظارت اجتماعی نیز از دیگر علل جرم‌زایی در جوامع با آنومی بالا است. زمانی که افراد احساس کنند که مجازات‌ها برای رفتارهای مجرمانه ضعیف یا ناکارآمد هستند، تمایل به ارتکاب جرم در آنان افزایش می‌یابد. در این شرایط، جامعه نمی‌تواند به‌طور مؤثر از بروز رفتارهای خشونت‌آمیز یا جرایم جلوگیری کند و افراد به دلیل نبود ترس از مجازات، اقدام به ارتکاب جرم می‌کنند. علاوه بر این، در جوامعی که با آنومی شدید مواجه هستند، فشارهای اجتماعی و اقتصادی برای دستیابی به موفقیت‌های مادی و اجتماعی می‌تواند باعث تقویت فرهنگ مصرف‌گرایی و رقابت‌های ناسالم شود، که این نیز زمینه‌ساز جرم‌زایی و

۲ - دایم الفوادی، علی حیدر (۱۴۰۲)، جرایم تجاوزهای فیزیکی از دیدگاه نظریه آنومی دورکیم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب، ص ۷۴

۱ - فیض‌اللهی و همکاران (۱۳۹۹)، آزمون تجربی رابطه آنومی نهادی و جرایم خشونت‌آمیز در ایران، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال نهم، شماره ۱۶، ص ۲۶۶

و تفاوت‌ها در سطح دسترسی به منابع، فرصت‌ها و خدمات عمومی شود. این تفاوت‌ها ممکن است باعث ایجاد احساس بیگانگی و بی‌اعتمادی در گروه‌های محروم به نهادهای اجتماعی و دولت شود. زمانی که این احساسات تقویت شوند، افراد ممکن است دیگر هنجارهای اجتماعی را معتبر ندیده و به رفتارهای انحرافی و مجرمانه روی بیاورند. نابرابری اجتماعی به‌ویژه در جوامعی که سیستم‌های حمایتی و توزیع ثروت ضعیف هستند، می‌تواند احساس بی‌عدالتی را در افراد تشدید کند و آن‌ها را به سمت اقدامات خشونت‌آمیز یا مجرمانه سوق دهد.^۳

در نهایت، این دو عامل فقر و نابرابری اجتماعی با هم ترکیب می‌شوند و به تشدید آنومی اجتماعی منجر می‌شوند. آنومی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن هنجارها و قوانین اجتماعی ضعیف یا از بین رفته‌اند، که در نتیجه افراد از مسیرهای اجتماعی و قانونی انحراف پیدا می‌کنند. در جوامعی که هم فقر و هم نابرابری اجتماعی بالا است، افراد ممکن است احساس کنند که رسیدن به اهداف اجتماعی و اقتصادی از طریق روش‌های قانونی و مشروع غیرممکن است، و به همین دلیل به رفتارهای مجرمانه یا خشونت‌آمیز روی می‌آورند. بنابراین، کاهش فقر و نابرابری اجتماعی می‌تواند به تقویت

خشونت است. بنابراین، برای کاهش آسیب‌های ناشی از آنومی اجتماعی، اصلاح نهادهای اجتماعی و تقویت هنجارهای اجتماعی ضروری است.^۱

۱-۲- رابطه بین فقر، نابرابری اجتماعی و آنومی اجتماعی

رابطه بین فقر، نابرابری اجتماعی و آنومی اجتماعی پیچیده و تأثیرگذار است، زیرا هر یک از این عوامل به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر دیگری تأثیر می‌گذارد و در نهایت بر رفتار فردی و اجتماعی افراد در جامعه اثر می‌گذارد. فقر یکی از عوامل اصلی ایجاد آنومی اجتماعی است، چرا که افراد در جوامع فقیر به دلیل عدم دسترسی به منابع و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، احساس بی‌عدالتی و نارضایتی می‌کنند. این احساس محرومیت می‌تواند منجر به انحرافات اجتماعی و انحراف از هنجارهای اجتماعی و قانونی شود. به عبارت دیگر، فقر شرایطی را فراهم می‌کند که افراد ممکن است برای دستیابی به اهداف و نیازهای خود از راه‌های غیرقانونی و خشونت‌آمیز استفاده کنند، چرا که احساس می‌کنند شانس کمتری برای پیشرفت دارند.^۲

نابرابری اجتماعی نیز به‌عنوان عاملی دیگر در ایجاد آنومی اجتماعی تأثیرگذار است. نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی میان گروه‌های مختلف جامعه می‌تواند باعث افزایش شکاف‌ها

۳ - علیزاده اقدم و همکاران (۱۳۹۳)، بررسی پدیده آنومی اجتماعی در بین شهروندان حاشیه نشین شهر تبریز، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال سوم، شماره دوم، ص ۱۵

۱ - محمدی، غفار (۱۳۹۵)، بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی آنومی و جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شمال، ص ۹۵

۲ - کاظمی، زهرا؛ قاسمی، قاسم (۱۴۰۲)، عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خانگی علیه زنان: مطالعه موردی شهرستان کرج، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ص ۱۴۲

برخوردار نبوده و افراد ممکن است برای دستیابی به اهداف خود از روش‌های غیرقانونی و خشونت‌آمیز استفاده کنند. به‌عنوان مثال، در جوامعی که ارزش‌های مصرف‌گرایی و رقابت شدید اقتصادی غالب هستند، فشار اجتماعی برای دستیابی به موفقیت‌های مادی می‌تواند باعث ایجاد احساس ناراضی و بی‌عدالتی در افراد شود. این احساس محرومیت اجتماعی می‌تواند موجب انحرافات اجتماعی و افزایش جرم و خشونت شود.^۲

همچنین، نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدارس و رسانه‌ها نقش کلیدی در شکل‌دهی به فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی دارند. در جوامعی که این نهادها قادر به آموزش و تقویت ارزش‌های اجتماعی مثبت مانند همکاری، احترام به حقوق دیگران و حل مسالمت‌آمیز تعارضات هستند، احتمال بروز آنومی کمتر خواهد بود. در این جوامع، افراد احساس مسئولیت بیشتری نسبت به دیگران و جامعه دارند و انگیزه کمتری برای ارتکاب جرایم دارند. از سوی دیگر، در جوامعی که این نهادها نتوانند این ارزش‌ها را به‌درستی منتقل کنند یا دچار بحران‌هایی همچون بی‌ثباتی خانوادگی، آموزشی یا اقتصادی شوند، شرایط برای بروز آنومی فراهم می‌شود.^۳

در نهایت، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی می‌توانند هم به کاهش آنومی کمک کنند و هم آن را تشدید نمایند. جوامع با

هنجارهای اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و کاهش آنومی اجتماعی در جامعه کمک کند.

۲-۲- نقش فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی در افزایش یا کاهش آنومی

فرهنگ و اصول اجتماعی تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و شدت آنومی اجتماعی ایفا می‌کنند. فرهنگ به‌عنوان مجموعه‌ای از اعتقادات، هنجارها و رفتارهای مقبول در یک جامعه می‌تواند موجب تقویت همبستگی اجتماعی و جلوگیری از بروز آنومی شود و از سوی دیگر، در صورت ضعف یا تغییرات نامتناسب در آن، می‌تواند به افزایش آنومی کمک کند. زمانی که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در یک جامعه پایدار و یکپارچه باشند، افراد به‌راحتی می‌توانند دریابند که کدام رفتارها مقبول و مناسباند و کدام یک نامناسب و ناپسند تلقی می‌شوند. در این صورت، افراد تمایل بیشتری دارند تا از هنجارهای اجتماعی پیروی کنند و این امر می‌تواند به کاهش حس بی‌اعتمادی و انحراف از هنجارها بیانجامد.^۱

با این حال، در جوامعی که فرهنگ آن‌ها تحت تأثیر تغییرات سریع یا تضادهای فرهنگی قرار می‌گیرد، ممکن است افراد نتوانند خود را با هنجارهای جدید و ارزش‌های متناقض تطبیق دهند. این وضعیت می‌تواند به آنومی منجر شود، زیرا در این جوامع هنجارها و قوانین اجتماعی از انسجام لازم

۲ - کوزر، لوئیس، روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، ص ۸۵

۳ - سیموس، بریث ناچ (۱۳۹۰)، جرم و مجازات از نگاه دورکیسم، ترجمه محمدجعفر ساعد، تهران: انتشارات خرسندی، ص ۱۰۴

۱ - غلامی، کوروش؛ نظیری خانگه، سید مهدی (۱۳۹۳)، بررسی رابطه آنومی اجتماعی و قشر بندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، ص ۱۰۵

تضعیف هنجارهای اجتماعی که ناشی از آنومی است، موجب می‌شود که افراد نتوانند به‌طور مؤثر به هنجارهای جمعی پایبند بمانند. در چنین شرایطی، نظم اجتماعی دچار اختلال می‌شود زیرا نبود توافق جمعی بر روی هنجارها و قوانین، باعث می‌شود که افراد هر کدام راه خود را برای رسیدن به اهدافشان پیدا کنند. این وضعیت موجب افزایش رفتارهای انحرافی و نقض قوانین می‌شود که در نهایت به کاهش انسجام اجتماعی و گسترش ناهنجاری‌ها در جامعه می‌انجامد. به علاوه، در جوامعی که آنومی گسترده است، درک عمومی از عدالت و درستی کاهش یافته و این امر زمینه‌ساز بی‌اعتمادی به نهادهای قانونی و اجتماعی می‌شود.^۲

افزایش حس نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی در شرایط آنومی می‌تواند به تضعیف نظم اجتماعی منجر شود. زمانی که افراد احساس کنند که منابع و فرصت‌های اجتماعی به‌طور برابر تقسیم نشده، احتمال بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و انحرافات اجتماعی بیشتر می‌شود. این حس بی‌عدالتی می‌تواند به شکل‌گیری گروه‌های ضد اجتماعی منجر گردد که هدفشان مقابله با سیستم‌های موجود است. این گروه‌ها ممکن است به‌صورت جمعی و سازمان‌یافته علیه نظم اجتماعی اقدام کنند و در نتیجه، نظم اجتماعی تحت فشار قرار خواهد گرفت. در چنین جوامعی، نه تنها نظم اجتماعی به‌طور مستقیم در

فرهنگ‌های منسجم، که ارزش‌های همبستگی اجتماعی، احترام به قانون و همکاری را تقویت می‌کنند، کمتر با بحران‌های آنومی مواجه می‌شوند. اما جوامعی که در آن‌ها تضادهای فرهنگی وجود دارد و یا ارزش‌های اجتماعی تغییرات سریع و غیرقابل پیش‌بینی را تجربه می‌کنند، به‌ویژه در مواقع بحران‌های اقتصادی یا اجتماعی، احتمال بروز آنومی و انحرافات اجتماعی بیشتر خواهد بود.

۲-۳- تأثیر آنومی اجتماعی بر تضعیف نظم اجتماعی

آنومی اجتماعی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن معیارها و ارزش‌های اجتماعی به دلیل تحول‌های سریع فرهنگی، اقتصادی یا اجتماعی تضعیف یا ناپدید می‌شوند. این وضعیت می‌تواند به‌طور مستقیم بر نظم اجتماعی تأثیر گذاشته و آن را آسیب‌پذیر کند. زمانی که هنجارهای اجتماعی به اندازه کافی قوی و قابل قبول نباشند، افراد ممکن است دچار بلاتکلیفی شوند و نتوانند رفتارهای صحیح را شناسایی کنند. این بلاتکلیفی موجب می‌شود که افراد به سادگی از قوانین و هنجارهای اجتماعی تخطی کنند و نظم اجتماعی با چالش مواجه شود. در جوامعی که آنومی اجتماعی حاکم است، افراد بیشتر به دنبال برآورده کردن نیازهای خود از طریق روش‌های غیرقانونی یا توسل به خشونت هستند، چرا که این احساس در آن‌ها ایجاد می‌شود که سیستم اجتماعی قادر به پاسخگویی به خواسته‌ها و نیازهایشان نیست.^۱

۲ - فیض‌اللهی و همکاران (۱۳۹۹)، آزمون تجربی رابطه آنومی نهادی و جرایم خشونت‌آمیز در ایران، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال نهم، شماره ۱۶، ص ۲۶۵

۱ - عطفوف، حسین علی (۱۳۹۶)، ارزیابی سیاست کیفری در برابر جرایم خشونت‌آمیز از طریق تحلیل شاخص‌های کمی، نشریه علمی تخصصی رهیافت پیشگیری، شماره اول، ص ۱۳۸

برسند، چراکه منابع و فرصت‌ها به‌طور ناعادلانه تقسیم شده‌اند. این احساس بی‌عدالتی و ناکامی می‌تواند منجر به تضعیف هنجارهای اجتماعی گردد و افراد را به سمت رفتارهای انحرافی سوق دهد. بنابراین، بحران‌های اقتصادی باعث افزایش ناهمگونی می‌شوند، زیرا افرادی که احساس می‌کنند جامعه قادر به تأمین نیازهایشان نیست، ممکن است به سمت انحرافات اجتماعی و خشونت تمایل پیدا کنند.^۲

از سوی دیگر، بحران‌های اجتماعی، مانند ناآرامی‌های سیاسی، نابرابری‌های اجتماعی و قومیتی، یا تغییرات فرهنگی سریع، می‌توانند موجب ایجاد شکاف‌های عمیق در هویت اجتماعی افراد شوند. زمانی که گروه‌های مختلف اجتماعی احساس کنند که سیستم‌های موجود آنها را نادیده می‌گیرند یا حقوقشان پایمال می‌شود، به‌طور طبیعی در جامعه بی‌اعتمادی و ناامنی رشد می‌کند. در این شرایط، افراد ممکن است دچار بحران هویتی شوند و هنجارها و قوانین اجتماعی را از دست بدهند. این وضعیت باعث تشدید آنومی اجتماعی می‌شود، زیرا ناتوانی در تشخیص درست و غلط و بی‌ثباتی

معرض تهدید است، بلکه اعتبار و کارایی نهادهای اجتماعی و قانونی نیز کاهش می‌یابد.^۱

در نهایت، آنومی اجتماعی باعث از بین رفتن حمایت اجتماعی و احساس تعلق در افراد می‌شود. وقتی که افراد احساس کنند که جامعه به آن‌ها توجه نمی‌کند و شرایط اجتماعی برای پیشرفت آن‌ها فراهم نیست، احتمال انحرافات اجتماعی و خشونت افزایش می‌یابد. این بی‌توجهی به نیازهای افراد و تضعیف روابط اجتماعی موجب می‌شود که افراد احساس کنند که هیچ چیزی برای پایبندی به نظم اجتماعی باقی نمانده است. در نتیجه، آنومی اجتماعی به یکی از عوامل اصلی تضعیف نظم اجتماعی تبدیل می‌شود، زیرا در این وضعیت، افراد نه تنها از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی فاصله می‌گیرند، بلکه به رفتارهایی روی می‌آورند که نظم عمومی را به خطر می‌اندازد.

۲-۴- تأثیر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی بر آنومی اجتماعی
بحران‌های مالی و اجتماعی می‌توانند اثرات عمیقی بر ناهمگونی اجتماعی بگذارند و در شرایط بحرانی، این اثرات به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یابد. مشکلات اقتصادی، همانند بالا رفتن نرخ بیکاری، تورم و کاهش سطح رفاه عمومی، می‌توانند اعتماد عمومی به سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند. در این وضعیت، افراد ممکن است حس کنند که دیگر نمی‌توانند به‌طور مؤثر به اهداف خود

۲ - میرزاخان، عبدالرحمن؛ درویشی، صیاد (۱۳۹۳)، بررسی رابطه انسجام اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۸، ص ۶۲

۱ - کاظمی، زهرا؛ قاسمی، قاسم (۱۴۰۲)، عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان: مطالعه موردی شهرستان کرج، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ص ۱۴۰

افراد ممکن است به جای جلب به راه‌حل‌های قانونی، از خشونت و رفتارهای انحرافی به‌عنوان یک ابزار برای اعتراض یا دستیابی به اهداف خود استفاده کنند. این وضعیت می‌تواند به شکل گسترده‌ای آنومی اجتماعی را افزایش دهد و در نهایت به بروز مشکلات جدی‌تر در حفظ نظم و انسجام اجتماعی منجر شود.

۲-۵- تأثیر فقر و نابرابری‌های اجتماعی بر بروز آنومی

فقر و نابرابری‌های اجتماعی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری آنومی در جامعه به‌شمار می‌روند. در جوامعی که فقر گسترده است و بخش عمده‌ای از جمعیت به نیازهای پایه‌ای مانند مسکن، آموزش و خدمات بهداشتی دسترسی کافی ندارند، احساس نابرابری و بی‌عدالتی در میان افراد گسترش پیدا می‌کند. چنین احساسی می‌تواند به تضعیف هنجارهای اجتماعی منجر شود، زیرا افراد برای یافتن راه‌حل‌های فوری و خروج از شرایط سخت اقتصادی، ممکن است به روش‌های غیرقانونی یا رفتارهای نامتعارف روی آورند. در این وضعیت، آنومی اجتماعی شدت گرفته و افراد به دلیل ناتوانی در دستیابی به اهداف و آرمان‌های خود، بیشتر به سمت انحرافات و بزهکاری سوق داده می‌شوند.^۳

اجتماعی به افزایش رفتارهای انحرافی و خشونت‌آمیز منجر می‌شود.^۱

بحران‌های اقتصادی و اجتماعی معمولاً به‌صورت هم‌افزا فشارهای روانی و اجتماعی قابل‌توجهی را بر افراد تحمیل می‌کنند. در شرایط بحرانی اقتصادی، بسیاری از مردم برای تأمین نیازهای اولیه خود با چالش‌های بزرگی روبرو می‌شوند که این امر می‌تواند باعث کاهش اعتماد عمومی به نهادهای قانونی و اجتماعی شود. از سوی دیگر، بحران‌های اجتماعی نیز شدت فشارهای روانی را افزایش داده و احساساتی مانند تنهایی، بی‌عدالتی و اضطراب را در افراد تشدید می‌کنند. چنین شرایطی ممکن است به‌طور غیرمستقیم زمینه‌ساز گسترش آنومی شود، زیرا تحت این فشارهای شدید، افراد گاهی به رفتارهای انحرافی یا خشونت‌آمیز به‌عنوان راه‌حلی موقت یا نهایی روی می‌آورند.^۲

در نهایت، ترکیب بحران‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به شکلی پیچیده موجب افزایش نارضایتی اجتماعی و سیاسی شود. زمانی که بحران‌های اقتصادی و اجتماعی به‌طور هم‌زمان بر جامعه فشار وارد می‌آورند، احساس نارضایتی در میان مردم به اوج می‌رسد و این نارضایتی ممکن است به بی‌اعتمادی به سیستم‌های اجتماعی و قانونی تبدیل شود. در چنین شرایطی،

^۳ - کامرانی و همکاران (۱۴۰۰)، تاب‌آوری اجتماعی تشکلهای اقتصادی در مواجهه با آنومی نهادی: مورد مطالعه انجمن صنایع لوازم خانگی ایران، پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، سال هشتم، شماره ۲۹، ص ۶۰

^۱ - شیرانی، محمد (۱۳۹۷)، بررسی عوامل موثر بر ارتکاب جرم در پرتو نظریات جامعه‌شناختی جنایی: مطالعه موردی زندانیان زندان اوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۷۷

^۲ - میرسمعی، سمیرا سادات (۱۳۹۲)، علل تکرار جرم در مددجویان کانون اصلاح و تربیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ص ۴۱

است نهادهای اجتماعی و فرهنگی رسمی را تضعیف کرده و به افزایش آنومی در جامعه منجر شوند^۲.

در نهایت، فقر و نابرابری‌های اجتماعی باعث می‌شوند که افراد نسبت به هنجارها و قوانین موجود احساس بی‌اعتمادی کنند و آن‌ها را بی‌فایده بدانند. این عدم اعتماد به سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی می‌تواند سبب شود که افراد به جای پیروی از قوانین، به دنبال راه‌های غیرقانونی و انحرافی برای رسیدن به اهداف خود باشند. در چنین شرایطی، آنومی اجتماعی افزایش یافته و زمینه برای بروز جرایم خشونت‌آمیز و سایر رفتارهای انحرافی فراهم می‌شود.

۲-۶- تأثیر استرس‌های اجتماعی و روانی در ایجاد آنومی

فشارهای روانی و اجتماعی از عوامل مهمی هستند که تأثیر قابل توجهی بر آنومی اجتماعی دارند. زمانی که افراد درگیر استرس‌های ناشی از شرایط اجتماعی یا روانی می‌شوند، احتمال دارد برای مقابله با این فشارها، به‌ویژه در مواقع بحران‌های اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی، سمت رفتارهای انحرافی یا خشونت‌آمیز کشیده شوند. عواملی نظیر نابرابری، تبعیض و مشکلات اقتصادی می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد حس بی‌اعتمادی نسبت به قوانین و نهادهای اجتماعی شوند. این بی‌اعتمادی موجب تضعیف هنجارها و اصولی می‌شود که معمولاً نقش هدایتگر در رفتارهای قانونی و متعارف افراد دارند. در شرایطی که فشارهای اجتماعی به اوج خود

نابرابری‌های اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری آنومی ایفا می‌کنند. هنگامی که فاصله‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بین گروه‌های مختلف جامعه افزایش پیدا می‌کند، حس بی‌عدالتی و نارضایتی عمومی شدت بیشتری می‌گیرد. گروه‌های کمتر برخوردار ممکن است به این باور برسند که نظام اجتماعی و اقتصادی پشتیبانی کافی از آنان نمی‌کند و به همین دلیل قادر به دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی خود نیستند. این شرایط باعث افزایش بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای اجتماعی و حقوقی می‌شود و زمینه را برای ظهور رفتارهای خشونت‌آمیز یا انحرافی فراهم می‌سازد. در چنین جوامعی، افراد محروم احتمال دارد احساس کنند هیچ راه قانونی یا مناسب برای بهبود وضعیت‌شان وجود ندارد و در نتیجه، به راه‌های غیرقانونی و خشونت‌آمیز برای دستیابی به خواسته‌های خود روی بیاورند^۱.

از طرفی، نابرابری‌های اجتماعی و فقر ساختاری می‌توانند در کوتاه‌مدت و بلندمدت به تغییرات فرهنگی و اجتماعی منجر شوند که منجر به کاهش انسجام اجتماعی می‌شود. زمانی که نابرابری‌ها در سطوح مختلف اجتماعی گسترده می‌شوند، افراد به تدریج احساس می‌کنند که تنها از طریق گروه‌های خاص یا هنجارهای خاص می‌توانند به اهداف خود دست یابند، که این امر می‌تواند به شکل‌گیری فرهنگ‌های انحرافی و حتی خشونت‌آمیز منتهی شود. این فرهنگ‌های انحرافی ممکن

۲ - باولز، ساموئل (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و حاکمیت در اجتماع؛ مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، ترجمه افشین پاکباز و حسین پویان، چاپ دوم، تهران: نشر شیرازه، ص ۸۶

۱ - ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۲)، نظریه‌های جرم‌شناسی و بزهکاری، تهران: انتشارات ارجمند، ص ۱۴۲

افراد هنجارهای فرهنگی و اجتماعی را نادیده گرفته و به رفتارهایی روی بیاورند که نه تنها با هویت فردی آنها همخوانی ندارد، بلکه با هویت جمعی و اجتماعی جامعه نیز در تضاد قرار دارد. چنین وضعیتی افراد را به سمت تصمیماتی سوق می‌دهد که منافع شخصی‌شان را در اولویت قرار داده، بدون توجه به قواعد و هنجارهای اجتماعی، و در نتیجه به تشدید آنومی اجتماعی و ظهور مشکلات پیچیده‌تر در جامعه ختم می‌شود.^۳

در نهایت، استرس‌های اجتماعی و روانی می‌توانند احساس بی‌عدالتی و ناامیدی را در افراد تشدید کنند. در شرایطی که افراد با مشکلات اقتصادی، اجتماعی یا روانی روبه‌رو هستند و نمی‌توانند از نهادهای اجتماعی حمایت کافی دریافت کنند، ممکن است احساس کنند که هیچ راهی برای بهبود وضعیت خود ندارند. این احساس بی‌عدالتی می‌تواند به نوعی واکنش منفی منجر شود که افراد را از مشارکت در سیستم‌های اجتماعی و قانونی دلسرد کرده و آنها را به سمت رفتارهای انحرافی و خشونت‌آمیز سوق دهد. در چنین شرایطی، استرس‌های اجتماعی و روانی به افزایش آنومی اجتماعی دامن می‌زنند و نظم اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

می‌رسند، اعتبار قوانین و چارچوب‌های اجتماعی نزد افراد کاهش می‌یابد و همین امر می‌تواند به رشد رفتارهایی انحرافی و حتی خشونت‌آمیز منجر شود.^۱

استرس‌های روانی ناشی از مشکلات فردی، مانند فشارهای شغلی، مشکلات خانوادگی یا اضطراب‌های ناشی از آینده، نیز می‌تواند در ایجاد آنومی مؤثر باشد. وقتی که فرد به‌طور مداوم تحت فشار روانی قرار گیرد و نتواند این فشارها را به‌طور سالم مدیریت کند، ممکن است احساس کند که سیستم اجتماعی قادر به حمایت از او نیست. در چنین شرایطی، فرد ممکن است قوانین اجتماعی را کم‌ارزش یا غیرقابل اجرا ببیند و از آنها عبور کند. این بی‌توجهی به هنجارهای اجتماعی، که نتیجه استرس‌های روانی است، می‌تواند به انحرافات اجتماعی منجر شود و پایه‌های آنومی را در جامعه تقویت کند. در نهایت، افرادی که دچار استرس‌های روانی هستند، به‌راحتی ممکن است از رفتارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی برای تخلیه احساسات خود یا جبران ناکامی‌هایشان استفاده کنند.^۲

ترکیب فشارهای اجتماعی و روانی می‌تواند زمینه‌ساز بحران هویتی در افراد شود و به افزایش آنومی دامن بزند. در جامعه‌ای که تحت تأثیر استرس‌های شدید اجتماعی و روانی قرار دارد، افراد ممکن است با سردرگمی در هویت اجتماعی مواجه شوند. این بحران هویتی موجب می‌شود که برخی از

۳ - شیخ الاسلامی، عباس؛ محمود سلطانی، طاهره (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی جرایم خشن و خطرناک و راهکارهای پیشگیری از آن در حوزه‌های قضایی حومه شرق تهران، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۶، ص ۱۱۰

۱ - احمدی و همکاران (۱۳۸۸)، ترس از جرم در مناطق جرم خیز شهر شیراز، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۰، شماره ۲، ص ۷۱

۲ - حسینی، سید محمد؛ مصطفی پور، مسعود (۱۳۹۶)، جرم‌شناسی عصب رویکردی نوین در تحلیل جرایم خشونت‌آمیز اطفال و نوجوانان با تأکید بر منحنی سن - جرم، پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره نوزدهم، ص ۱۷۳

احساس می‌کنند که حمایت قانونی از آن‌ها وجود ندارد و این موضوع می‌تواند به کاهش اعتماد و تعهد نسبت به نهادهای قانونی و اجتماعی منجر شود. نبود اعتماد کافی به سیستم‌های قانونی و نبود پاسخگویی از سوی نهادهای دولتی، زمینه‌ای برای گسترش رفتارهای انحرافی و خشونت‌آمیز فراهم می‌کند. در واقع، ضعف در عملکرد نهادهای قانونی به تضعیف هنجارها و ایجاد اختلال در نظم اجتماعی ختم می‌شود.^۲

علاوه بر این، فساد اجتماعی و ضعف نهادهای قانونی باعث می‌شود که حس مسئولیت و مشارکت اجتماعی در افراد کاهش یابد. وقتی که افراد در جامعه شاهد فساد و ناکارآمدی در سیستم‌های قانونی هستند، ممکن است احساس کنند که تلاش‌هایشان برای بهبود وضعیت اجتماعی بی‌فایده است. این بی‌اعتمادی به نهادهای قانونی و فساد اجتماعی می‌تواند به کاهش مشارکت در مسائل اجتماعی و سیاسی منجر شود و افراد را به سمت انزوا و عدم تعهد به هنجارها و قوانین اجتماعی سوق دهد. در این وضعیت، آنومی اجتماعی افزایش می‌یابد زیرا افراد دیگر به عنوان بخشی از یک جامعه منسجم و قانونی عمل نمی‌کنند و به جای آن، به دنبال منافع شخصی و فردی خود هستند.^۳

۳- تأثیرات فساد اجتماعی و ضعف نهادهای قانونی در بروز آنومی

فساد اجتماعی و ضعف نهادهای قانونی از عوامل کلیدی محسوب می‌شوند که می‌توانند تأثیرات عمیقی بر شکل‌گیری آنومی اجتماعی داشته باشند. در جوامعی که فساد در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به‌طور گسترده نفوذ کرده باشد، افراد ممکن است احساس کنند قوانین و هنجارها به شکلی ناعادلانه و تبعیض‌آمیز اجرا می‌شوند. چنین احساسی از بی‌عدالتی و بی‌اعتمادی به نهادهای قانونی می‌تواند ساختار اجتماعی را تضعیف کرده و زمینه‌ای برای بروز حالت آنومی فراهم کند. هنگامی که مردم مشاهده کنند افراد صاحب نفوذ و قدرت قادرند قوانین را دور بزنند یا با استفاده از فساد به اهداف خود دست یابند، احتمال کاهش تمایل به رعایت قوانین و هنجارهای اجتماعی افزایش می‌یابد، که این امر ممکن است موجب گرایش به رفتارهای انحرافی و حتی خشونت شود.^۱

ضعف نهادهای قانونی نقش مهمی در شکل‌گیری آنومی اجتماعی دارد. هنگامی که این نهادها از قدرت اجرایی لازم برخوردار نباشند یا نتوانند عدالت را به صورت مؤثر اجرا کنند، نظم اجتماعی دچار تهدید می‌شود. در چنین شرایطی، افراد

^۲ - مقدسی، محمد باقر؛ فرجیها، محمد (۱۳۹۷)، واکنش‌های کیفی عوام‌گرا در مقابله با جرایم خشونت بار در ایران، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳۶، ص ۱۹۴

^۱ - غلامی، کوروش؛ نظیری خانگه، سید مهدی (۱۳۹۳)، بررسی رابطه آنومی اجتماعی و قشر بندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، ص ۹۹

^۳ - یوسفوند و همکاران (۱۳۹۴)، تبیین رابطه جرایم خشونت‌آمیز (قتل) با تاکید بر نابرابری در توسعه اجتماعی - اقتصادی در ایران، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۸، شماره ۳، ص ۱۲۰

اجتماعی باید توانایی ارتقای درک عمیق‌تر از همبستگی و تعاملات اجتماعی را داشته باشند تا بتوانند حس هدفمندی و انسجام هویتی را تقویت کرده و از بحران‌های مرتبط پیشگیری کنند.^۱

۴-۲- طراحی سیاست‌های عمومی برای مقابله با آنومی اجتماعی

طراحی سیاست‌های عمومی برای مقابله با آنومی اجتماعی نیازمند رویکردی جامع و چندوجهی است که در آن تعامل و همکاری میان نهادهای مختلف دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی ضروری باشد. این سیاست‌ها باید با هدف تقویت همبستگی اجتماعی، ارتقای عدالت و کاهش بی‌اعتمادی در جامعه اجرا شوند. یکی از گام‌های نخست در طراحی این سیاست‌ها، تقویت نهادهای قانونی و قضائی است. ایجاد اطمینان نسبت به عملکرد صحیح سیستم‌های قضائی و اجرای قوانین به‌طور عادلانه می‌تواند اعتماد عمومی را بازگرداند و به کاهش احساس بی‌عدالتی که منجر به آنومی می‌شود، کمک کند. از سوی دیگر، باید به‌طور مستمر بر آموزش عمومی و آگاهی‌بخشی در خصوص حقوق شهروندی و قوانین توجه کرد تا افراد جامعه از حقوق خود آگاه شوند و بتوانند در برابر بی‌عدالتی‌ها مقاومت کنند.^۲

سیاست‌های اقتصادی نیز نقش مهمی در کاهش آنومی اجتماعی دارند. بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش فقر و نابرابری‌های اجتماعی می‌تواند از شدت احساس بی‌معنایی و

در نهایت، فساد اجتماعی و ضعف نهادهای قانونی فرصت‌های انحرافی بیشتری را برای افراد فراهم می‌کنند که می‌تواند به بروز رفتارهای مجرمانه و خشونت‌آمیز منتهی شود. در جوامعی که فساد در سطوح مختلف رواج دارد، افراد ممکن است به این باور برسند که استفاده از راه‌های غیرقانونی و انحرافی برای رسیدن به اهدافشان نه تنها عملی است، بلکه از نظر اجتماعی نیز قابل پذیرش است. این وضعیت می‌تواند به افزایش جرایم خشونت‌آمیز و رفتارهای انحرافی در جامعه منجر شود و آنومی اجتماعی را تشدید کند. بنابراین، فساد اجتماعی و ضعف نهادهای قانونی به‌طور مستقیم به گسترش آنومی و بی‌نظمی اجتماعی دامن می‌زنند.

۴- راهکارها و تدابیر مقابله با آنومی اجتماعی و کاهش جرایم خشونت‌آمیز

۴-۱- راهکارهای پیشگیری از آنومی اجتماعی در سطح جامعه راهکارهای جلوگیری از آنومی اجتماعی در جامعه شامل اقداماتی است که با تقویت همبستگی اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها و ترویج ارزش‌های مشترک، مانع شکل‌گیری بحران‌های ناشی از آنومی می‌شوند. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه توسعه آموزش و بهبود سطح فرهنگی جامعه است. لازم است برنامه‌های آموزشی و فرهنگی به شکلی طراحی شوند که افراد را با ارزش‌ها، هنجارها و قواعد اجتماعی آشنا کرده و آنها را به اتخاذ رفتارهای مثبت و مسئولانه در موقعیت‌های مختلف ترغیب کنند. افزون بر این، آموزش‌های

۲- حسینی نثار و همکاران (۱۳۹۴)، آنومی اجتماعی و عوامل موثر بر آن: مورد مطالعه شهر رشت، مجله مدیریت فرهنگی، سال نهم، شماره بیست و نهم، ص ۲۸

۱- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی کجروی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۸۸

سیاست‌های عمومی باید در اولویت قرار گیرد تا از بروز آنومی اجتماعی و پیامدهای منفی آن جلوگیری شود.^۲

نتیجه گیری

بررسی موضوع آنومی اجتماعی و ارتباط آن با افزایش جرایم خشونت‌آمیز نشان می‌دهد که جرم صرفاً پدیده‌ای فردی یا محصول نقص‌های شخصیتی نیست، بلکه در بستر ساختارهای اجتماعی و حقوقی شکل می‌گیرد. آنومی به‌عنوان وضعیتی از فروپاشی یا تضعیف ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، زمینه‌ای فراهم می‌کند که در آن کنترل اجتماعی کاهش یافته و افراد با سهولت بیشتری به خشونت متوسل می‌شوند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که ضعف نهادهای نظارتی و حمایتی، احساس بی‌عدالتی، کاهش سرمایه اجتماعی و ناکارآمدی برخی سازوکارهای حقوقی از مهم‌ترین عوامل گسترش آنومی در جامعه ایران محسوب می‌شوند. این شرایط، زمانی که با ناکامی در تحقق انتظارات مشروع شهروندان همراه می‌گردد، بیش از پیش به بروز رفتارهای پرخطر و خشونت‌آمیز منجر می‌شود.

از منظر حقوقی، هرچند قانون‌گذار ایران ابزارهای کیفری متعددی را برای مقابله با جرایم خشونت‌آمیز پیش‌بینی کرده است، اما تکیه صرف بر برخوردهای کیفری، بدون توجه به بسترهای اجتماعی جرم‌زا، نمی‌تواند منجر به کاهش پایدار خشونت شود. سیاست جنایی مؤثر باید علاوه بر جنبه کیفری،

ناامیدی در جامعه بکاهد. سیاست‌های حمایتی اقتصادی مانند ایجاد اشتغال، تقویت کارآفرینی، و افزایش دسترسی به خدمات اجتماعی به ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر می‌تواند به بهبود وضعیت اجتماعی کمک کند و شرایط را برای کاهش جرایم خشونت‌آمیز فراهم آورد. در کنار این، نظام آموزشی باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد. طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی جامع که بر مهارت‌های زندگی، حل تعارض، مدیریت خشم و ایجاد همبستگی اجتماعی تمرکز دارند، می‌تواند جوانان را در برابر رفتارهای انحرافی و خشونت‌آمیز محافظت کند.^۱

علاوه بر این، تقویت مشارکت اجتماعی و حمایت از نهادهای مدنی از جمله کلیدی‌ترین اجزای سیاست‌های عمومی برای مقابله با آنومی اجتماعی است. مردم باید احساس کنند که می‌توانند در فرآیندهای تصمیم‌گیری اجتماعی و سیاسی مشارکت فعال داشته باشند. این امر موجب می‌شود تا ارتباطات اجتماعی و اعتماد متقابل در جامعه تقویت گردد. همچنین، ایجاد و تقویت شبکه‌های اجتماعی برای حمایت از افراد آسیب‌دیده از آنومی و تقویت روابط انسانی می‌تواند از بروز رفتارهای ضد اجتماعی و خشونت‌آمیز جلوگیری کند. در نهایت، طراحی و اجرای پروژه‌های اجتماعی که به ایجاد فرصت‌های برابر برای تمامی گروه‌ها، کاهش نابرابری‌ها و تقویت عدالت اجتماعی کمک می‌کند، به‌عنوان بخشی از

۲ - غلامی، کوروش؛ نظیری خانگانه، سید مهدی (۱۳۹۳)، بررسی رابطه آنومی اجتماعی و قشر بندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، ص ۱۱۱

۱ - اف. مسنر، استیون؛ روزنفلد، ریچارد (۱۳۹۲)، نظریه آنومی نهادی تبیین جامعه شناسی کلان جرم، ترجمه علی موسی نژاد، فصلنامه پژوهش‌های جامعه شناسی معاصر، سال دوم، شماره ۳، ص ۱۸۴

منابع

- دورکیم، امیل (۱۳۹۲)، درباره تقسیم‌کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، چاپ اول، تهران: نشر سروش
- سیموس، بریت ناچ (۱۳۹۰)، جرم و مجازات از نگاه دورکیم، ترجمه محمدجعفر ساعد، تهران: انتشارات خرسندی
- کوثری، مسعود (۱۳۸۶)، نظریه‌های آنومی اجتماعی، تهران: نشر سلمان
- اف. مسنر، استیون؛ روزنفلد، ریچارد (۱۳۹۲)، نظریه آنومی نهادی تبیین جامعه‌شناسی کلان جرم، ترجمه علی موسی نژاد، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال دوم، شماره ۳
- پوریافر، محمدرضا (۱۳۹۰)، آنومی و کجروی در جامعه در حال گذار: مطالعه یک مسئله در شهر سمنان، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره دوم، سال چهارم
- فیض‌اللهی و همکاران (۱۳۹۹)، آزمون تجربی رابطه آنومی نهادی و جرایم خشونت‌آمیز در ایران، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال نهم، شماره ۱۶
- دایم‌الوفادی، علی حیدر (۱۴۰۲)، جرایم تجاوزهای فیزیکی از دیدگاه نظریه آنومی دورکیم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب
- محمدی، غفار (۱۳۹۵)، بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی آنومی و جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شمال
- کاظمی، زهرا؛ قاسمی، قاسم (۱۴۰۲)، عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خانگی علیه زنان: مطالعه موردی شهرستان کرج، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۲۱
- علیزاده‌ا قدم و همکاران (۱۳۹۳)، بررسی پدیده آنومی اجتماعی در بین شهروندان حاشیه نشین شهر تبریز، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال سوم، شماره دوم
- غلامی، کوروش؛ نظیری خانگه، سید مهدی (۱۳۹۳)، بررسی رابطه آنومی اجتماعی و قشر بندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم
- کوزر، لوئیس، روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی
- سیموس، بریت ناچ (۱۳۹۰)، جرم و مجازات از نگاه دورکیم، ترجمه محمدجعفر ساعد، تهران: انتشارات خرسندی
- عطوف، حسین علی (۱۳۹۶)، ارزیابی سیاست کیفری در برابر جرایم خشونت‌آمیز از طریق تحلیل شاخص‌های کمی، نشریه علمی تخصصی رهیافت پیشگیری، شماره اول، ص ۱۳۸

ابعاد اجتماعی و اداری را نیز در بر گیرد و زمینه‌بازسازی اعتماد اجتماعی و تقویت مشروعیت نظام حقوقی را فراهم آورد.

پژوهش حاضر نشان داد که نقش حقوق عمومی و به‌ویژه حقوق اداری در مهار آثار آنومی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ارتقای شفافیت اداری، پاسخگویی مقامات، تضمین حق دسترسی آزاد به اطلاعات و تقویت عدالت اداری می‌تواند از میزان احساس تبعیض و بی‌اعتمادی کاسته و در نتیجه، از گسترش شرایط آنومیک و بروز خشونت جلوگیری کند.

در نهایت می‌توان گفت که پیشگیری از جرایم خشونت‌آمیز در گرو اتخاذ رویکردی چندبعدی است که همزمان به اصلاح ساختارهای حقوقی، تقویت نهادهای اجتماعی، و ارتقای سرمایه اجتماعی بپردازد. تنها از طریق بازگرداندن اعتماد عمومی، احیای ارزش‌های مشترک و به‌کارگیری سیاست‌های اداری و کیفری کارآمد می‌توان با پیامدهای آنومی اجتماعی مقابله کرده و زمینه کاهش جرایم خشونت‌آمیز را در جامعه ایران فراهم نمود.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

فیض الهی و همکاران (۱۳۹۹). آزمون تجربی رابطه انومی نهادی و جرایم خشونت آمیز در ایران، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال نهم، شماره ۱۶

کاظمی، زهرا؛ قاسمی، قاسم (۱۴۰۲). عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خانگی علیه زنان: مطالعه موردی شهرستان کرج، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۲۱

میرزاخلی، عبدالرحمن؛ درویشی، صیاد (۱۳۹۳). بررسی رابطه انسجام اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۸

شیرانی، محمد (۱۳۹۷). بررسی عوامل موثر بر ارتکاب جرم در پرتو نظریات جامعه‌شناختی جنایی: مطالعه موردی زندانیان زندان اوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی

میرسمعی، سمیرا سادات (۱۳۹۲). علل تکرار جرم در مددجویان کانون اصلاح و تربیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

کامرانی و همکاران (۱۴۰۰). تاب‌آوری اجتماعی تشکلهای اقتصادی در مواجهه با انومی نهادی: مورد مطالعه انجمن صنایع لوازم خانگی ایران، پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۹

ابوالعالی، خدیجه (۱۳۹۲). نظریه‌های جرم‌شناسی و بزهکاری، تهران: انتشارات ارجمند

باولز، ساموئل (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و حاکمیت در اجتماع؛ مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، ترجمه افشین پاکباز و حسین پویان، چاپ دوم، تهران: نشر شیرازه

احمدی و همکاران (۱۳۸۸). ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۰، شماره ۲

حسینی، سید محمد؛ مصطفی پور، مسعود (۱۳۹۶). جرم‌شناسی عصب رویکردی نوین در تحلیل جرایم خشونت آمیز اطفال و نوجوانان با تاکید بر منحنی سن-جرم، پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره نوزدهم

شیخ‌الاسلامی، عباس؛ محمود سلطانی، طاهره (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی جرایم خشن و خطرناک و راهکارهای پیشگیری از آن در حوزه‌های قضایی حومه شرق تهران، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۶

غلامی، کوروش؛ نظیری خانگه، سید مهدی (۱۳۹۳). بررسی رابطه انومی اجتماعی و قشر بندی اجتماعی با ارتکاب نوع جرم در شهرستان خلخال، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم

یوسفوند و همکاران (۱۳۹۴). تبیین رابطه جرایم خشونت آمیز (قتل) با تاکید بر نابرابری در توسعه اجتماعی-اقتصادی در ایران، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۸، شماره ۳

مقدسی، محمد باقر؛ فرجیها، محمد (۱۳۹۷). واکنش‌های کیفری عوام‌گرا در مقابله با جرایم خشونت بار در ایران، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳۶

سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی کجروی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه